

است که آموزگاران به اهمیت زدودن کلیشه‌های جنسی باور راسخ داشته باشند و عوامل اصلی پیدایش آن‌ها و شکل‌های منظم بروز تبعیض جنسی در گروه‌های سنی مختلف را به خوبی بشناسند...» [11:37].

در کشورهایی که بیشتر کتاب‌های درسی را آموزگاران و بازرسان شاغل یا بازنشسته می‌نویسند، نقش آموزگاران در نابودی تبعیض جنسی، تعیین‌کننده به نظر می‌رسد. با این همه نباید به خوش‌بینی ساده‌اندیشانه گرفتار شد؛ زیرا آموزگاران در جامعه تافته‌ای جدا بافته نیستند و چندان تفاوتی با دیگر فعالان اجتماعی (اعضای وزرات‌خانه‌ها، کارکنان اداری مدارس، اولیای دانش‌آموزان، ناشران و مانند آنان) ندارند. همگی آنان از همان آغاز کودکی با تقسیم سنتی وظایف خانوادگی و شغلی براساس کلیشه‌های تحقیرآمیز، خوگرفته و بزرگ شده و آن‌ها را پذیرفته‌اند. این واقعیت که آموزگاران دبستان نسبتاً جوان و غالباً زن هستند نیز تضمینی در مقابل وجود تبعیض جنسی در مدرسه و در کتاب‌های درسی محسوب نمی‌شود. پس اساساً در پرتو فعالیتی آگاهانه در میان تمام کارکنان اداری و آموزشی دوره ابتدایی و متوسطه می‌توان به نتایجی دست یافت. این فعالیت ممکن است که از آموزگاران، از ابتکارهای خصوصی یا از وزارت‌خانه‌ها سرچشمه بگیرد و شامل انواع اقدام‌های فردی یا جمعی بشود که در آن‌ها جلب توجه و آموزش، نقش اساسی دارند، اما نباید به این دو وجه محدود شود، بلکه باید به دگرگونی در تمام برخوردارهای تبعیض‌آمیز میان آموزگاران و شاگردان گسترش یابد.

در فرانسه اقدام‌های متفاوت برای آموزش و جلب توجه معلمان به ستیز با تبعیض جنسی، هم از انجمن‌های خصوصی سرچشمه می‌گیرد، هم از وزارت حقوق زنان و هم از آموزگاران.

به عنوان مثال، انجمن آموزش و پرورش تبعیض ستیز، از رهگذر سه نوع فعالیت، توجه آموزگاران را به مسئله تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و در آموزش و پرورش برانگیخته است: برگذاری گردهمایی‌های متعددی که در آن‌ها، نه فقط آموزگاران، بلکه اولیای دانش‌آموزان، اعضای سندیکاها، نمایندگان انجمن‌های گوناگون، طرفداران حقوق و آزادی زنان نیز دعوت شده بودند؛ نمایش فیلم‌های ضد تبعیض جنسی در جریان این گردهمایی‌ها (از جمله فیلم زن خانه‌دار و زن شاغل درباره تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و مدرسه)؛ توزیع راهنمای مک‌گرو-هیل (برای نویسندگان کتاب‌های درسی) و راهنمای تحلیل برای شناسایی تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی، در میان تمام آموزگاران؛ و سرانجام، فروش با اجاره تخته‌های نقاشی درباره تبعیض جنسی در مدرسه و در کتاب‌های درسی که آموزگاران می‌توانند آن‌ها را برای آموزش ستیز با تبعیض جنسی به شاگردان نیز به کار برند.

وزارت حقوق زنان بر این نظر است که فعالیت ضد تبعیض جنسی باید از رهگذر پرورش و آموزش آموزگاران براساس احترام به دیگری انجام شود. اما مطابق آمار، احترام به دیگری فقط برای ۲۹٪ از آموزگاران فرانسوی از اولویت برخوردار است [36:13]. افزون بر این، در نظر وزارت حقوق زنان، فراگیری احترام به دیگری ممکن نیست به‌طور انتزاعی و بی‌توجه به واقعیات صورت گیرد، بلکه باید باره کلیشه‌های تبعیض جنسی همراه باشد. در واقع [39:13]، «اگر شناخت دیگری بر تحلیل کلیشه‌های تبعیض جنسی (کلیشه‌هایی که هم سد و مانع هستند و هم زندان، و سیمون دو بووار آن‌ها را «تصویرهای زیبا» نامیده است) استوار نباشد، احترام به دیگری در حد تصدیق شفاهی صرف باقی

می‌ماند. به همین سبب آموزش کارساز به معلمان در این عرصه، امکان‌پذیر نیست مگر از رهگذر آموزشی تکمیلی که آنان را به تحلیل کلیشه‌ها و تصویرهای تبعیض آمیز وامی‌دارد.»

وزارت آموزش و پرورش، با تأثیرپذیری از وزارت حقوق زنان بخشنامه‌ای را در تاریخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ صادر کرد که در آن چنین آمده است: «آموزگاران در پیکار با پیشداوری‌های تبعیض جنسی نقشی اساسی برعهده دارند و هریک از آنان، در چارچوب رسالت آموزشی خود، باید به دگرگون‌سازی اذهان و نابود کردن هرگونه تبعیضی نسبت به زنان، یاری رسانند... آنان باید در مجموع دستگاه و ابزارهای آموزشی (کتاب‌های درسی، برگه‌ها، اسلایدها، فیلم‌ها، نوارها و مانند آن) بقای احتمالی کلیشه‌های تبعیض آمیزی را که به تصویری نابرابر از زنان تداوم می‌بخشند، آشکار کنند و آن را به نقد بکشند. آموزگاران همچنین باید هوشیار باشند که در سخنان یا در رفتار خود، کلیشه‌های تبعیض جنسی را منتقل نسازند...»

اما در واقع، این توصیه‌ها، تا زمانی که آموزش و پرورش ضد تبعیض جنسی در میان و با شرکت آموزگاران به پیش برده نشود، حرف تو خالی باقی می‌ماند. برای دستیابی به این هدف، یکی از بازرس‌های آموزش ابتدایی که آموزش ضد تبعیض جنسی را در یکی از دانش‌سراهای مقدماتی فرانسه رواج داده است می‌گوید که: «اگر بخواهیم به مسئله تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی بتازیم بی‌تردید باید از آموزگاران کمک بگیریم، آنان را با خود همراه سازیم و فقط به این بسنده نکنیم که جزوهای آموزشی در اختیار آنان بگذاریم، جزوهای که چه بسا آن را نه یک وسیله بلکه نوعی نتیجه به حساب آورند.»

این تجربه مبتنی بود بر یک دوره بازآموزی دو هفته‌ای که دانش‌سرای شهر نانت آن را برای آموزگاران منطقه سازمان داده بود. ناگفته نماند که مقاومت آموزگاران فرانسوی در برابر تغییر و تحولات ضد تبعیض جنسی تحت عنوان «آزادی آموزشی آموزگاران» صورت می‌پذیرد، توگویی دفاع از این آزادی، با دفاع از «حقوق انسان‌ها» اهم از مرد یا زن در برخورداری از حیثیت و کرامت، تضادی دارد. آیا می‌توان به بهانه رعایت «آزادی آموزشی» حقوق زنان را نفی کرد؟

در ایالات متحده آمریکا، در پی فعالیت‌های انجمن‌های فمینیست و زنان پژوهشگر در دانشگاه‌ها، اقدامات متعددی بر ضد تبعیض جنسی در مدرسه، به ویژه در میان آموزگاران انجام شده است. برنامه *Born free* (زایش آزاد) [35] را بانویی که ریاست بخش راهنمایی دانشجویان را در دانشکده آموزش و پرورش دانشگاه مینه‌سوتا برعهده دارد، در سال ۱۹۷۶ به اجرا گذاشت. در این برنامه پیشنهاد شده است که کلیشه‌های تبعیض‌آمیز در نهادهای آموزشی، به‌طور همزمان برای مردان و زنان کاهش یابد. وظیفه اصلی عبارت است از تهیه مواد آموزشی برای اولیای دانش‌آموزان و معلمان در تمام سطوح آموزشی (ابتدایی و متوسطه) [35].

تجربه عملی این برنامه که در اساس به آموزگاران و اولیای دانش‌آموزان در چند مدرسه اختصاص داشت، مبتنی بود بر یک دوره آموزشی یک ساله. در جریان این دوره، ۴۰ نفر (از معلمان و دیگر شرکت‌کنندگان) فراگرفتند که می‌توانند برخوردها و رفتارهای شخصی خود را با شاگردان و همکارانشان تغییر دهند و حتی به دگرگونی ساختارهای سازمانی مؤسسات خود و یا انجام همزمان هر دو کار

پپردازند. پس از طی این دوره، شرکت‌کنندگان (معلمان دوره ابتدایی و متوسطه) به ۱۴ گروه تقسیم شدند و ۶۴ فعالیت مختلف را برای کاهش تبعیض جنسی در آموزش و پرورش انجام دادند. در بیشتر موارد، آنان در چارچوب فعالیتی به نام «طرح‌های پیشرفت کارکنان»، جلسه‌های آموزشی دو روزه را در محل کار، برای گروه‌های کوچکی از معلمان و گاهی نیز اولیای دانش‌آموزان برگزار کردند. در جریان این جلسات آموزشی، شرکت‌کنندگان، برداشت‌هایشان را از پذیرش اجتماعی نقش‌های خانوادگی و شغلی خود، با یکدیگر در میان می‌گذاشتند. البته نویسنده این طرح معتقد است که چنین کاری با بعضی از فرهنگ‌ها هماهنگی ندارد. این نوع درون‌نگری در میان یک جمع کوچک، به اولیا و معلمان آمریکایی امکان می‌دهند تا تأثیری را که بر کودکان دارند، بهتر درک کنند. همان‌گونه که نویسنده برنامه *Born free* خاطر نشان می‌کند، این آموزش در اساس آگاهی‌بخش است، زیرا راه‌شناسایی پدیده‌های مربوط به تقسیم نقش‌های دو جنس را به اولیا و معلمان یاد می‌دهد. این برنامه، جنبه تجربی و عاطفی نیز دارد و مستلزم آن است که آموزش‌دهندگان، تأثیرات منفی کلیشه‌های جنسی را بر کودکان دریابند و به ظریف‌ترین برخوردها و رفتارهای تبعیض‌آمیز آگاهی پیدا کنند.

در یک کلام شاید بتوان گفت که فلسفه برنامه *Born Free* بر این دستور سقراطی استوار است: «خودت را بشناس». در واقع معلمان چگونگی تقسیم نقش‌ها را در جامعه میان مردان و زنان، شیوه تأثیرگذاری بر شاگردان خود و راه رفع تبعیض‌های جنسی را در عرصه آموزش و پرورش، بهتر درک می‌کنند.

این برنامه به علاوه تدبیری بسیار مشخص را دربردارد که هدف آن

آماده ساختن معلمان برای شناسایی کلیشه‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی، طی یک جلسه نود دقیقه‌ای است. برای این کار پرسشنامه‌ای برای ارزیابی تبعیض جنسی و نیز یک یا چند کتاب درسی میان معلمان پخش می‌شود و آنان باید براساس راهنمای پرسشنامه‌ای که به همین منظور تهیه شده است (جدول شماره ۴) به ارزیابی این کتاب‌ها پردازند. سه ربع ساعت پس از پایان این جلسه، تمام گروه درباره نتایج ارزیابی‌های خود به بحث می‌پردازند و اگر وقت کافی باشد، فهرست کامل کلیشه‌های جنسی شناسایی شده تنظیم می‌شود.

در این جلسه‌های آموزشی - که در ساعات کار و با موافقت مدیریت برگزار می‌شوند - از معلمان خواسته می‌شود که در کسب آگاهی از کلیشه‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی، نقشی فعال اجرا کنند. در پژوهشی که درباره نروژ صورت گرفته است، پرورش معلمان آینده برای پیکار با تبعیض جنسی توصیه شده است [12:106]:

«برای اصلاح کتاب‌های درسی، ضروری است که استفاده کنندگان از آن‌ها - یعنی معلمان و نیز شاگردان - به قوانین رایج و ضروریاتی که باید تدوین و بیان شوند، آگاهی یابند. گروه بررسی پیشنهاد می‌کند که رهنمودهایی درباره برابری جنس‌ها در دسترس شناخت معلمان و دانش‌آموزان قرار گیرد. دانشجویان دانش‌سراها و معلمان باید در چارچوب آموزش دانشگاهی یا دوره‌های کارآموزی به تحلیل کتاب‌های درسی از دیدگاه برابری جنس‌ها تشویق شوند.»

ساروجینی بیزاریا [5] نیز پیشنهاد می‌کند که چنین اقداماتی برای معلمان آینده هند و کل آسیا انجام شود. برنامه‌های آموزشی معلمان در مورد ستیز با تبعیض جنسی باید جنبه اثباتی داشته باشد. برنامه‌های درسی

دانشسراهای تربیت معلم باید به دقت بررسی شود و از گرایش‌های پایدار تبعیض جنسی مصون باشد. تا زمانی که نسل کاملی از دانشجویان - از مدرسه تا دانشگاه - از شر کلیشه‌های تبعیض جنسی رهایی یابد، باید به تدوین برنامه‌های درسی و طرح‌های آموزش معلمان، هرچه بیشتر توجه کرد [21].

جدول شماره ۴. راهنمای ارزیابی معلمان از تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی

- ۱- عنوان اثر:
 - ۲- موضوع مورد بحث:
 - ۳- ناشر و سال انتشار:
 - ۴- نویسنده (نویسندگان):
- | | | |
|------|-------|-------|
| جنس: | مؤنث: | مذکر: |
|------|-------|-------|
- ۵- چه فعالیت‌ها / شغل‌هایی برای افراد زیر، توصیف یا ترسیم شده‌اند:

مردان	زنان	پسران	دختران
-------	------	-------	--------
 - ۶- تعداد تصویرهای ارائه شده برای هر جنس:

مردان	زنان	پسران	دختران
-------	------	-------	--------
 - ۷- در متن کتاب چند بار به افراد زیر اشاره شده است:

مردان	زنان	پسران	دختران
-------	------	-------	--------
 - ۸- چه صفت‌هایی برای توصیف افراد زیر به کار رفته است:

مردان	زنان	پسران	دختران
-------	------	-------	--------
 - ۹- زبان به کار رفته در متن را تشریح کنید. آیا زبانی غیر تبعیض‌آمیز است و هیچ اشاره‌ای به تمام شکل‌های کلیشه‌های تبعیض جنسی ندارد؟
 - ۱۰- آیا نقش‌های مهمی از زنان و مردان نادیده گرفته شده‌اند؟
 - ۱۱- آیا به کلیشه‌های سنتی برای گروه‌های مختلف در عرصه‌های فعالیت، علائق، نقش‌های خانوادگی، شغل و مانند آن‌ها اشاره شده است؟ چه الگوی نقش‌هایی برای دختران و پسران عرضه شده است؟
 - ۱۲- آیا متن به یک سبک معاصر و واقع‌گرا نوشته شده است؟
 - ۱۳- آیا بخش‌های خاصی وجود دارند که فقط به بررسی زنان یا اقوامی ویژه بپردازند؟
 - ۱۴- این متن چگونه ممکن است بر تمایلات دختران و پسران در مورد آموزش و شغل تأثیر بگذارد؟
 - ۱۵- تحلیل خود را از متن در یک صفحه (یا کمتر) خلاصه کنید.
- منبع: برنامه *Born free*، دانشگاه مینه‌سوتا، ایالات متحده آمریکا.

پژوهشی که دربارهٔ پرو صورت گرفته است [21] همین پیشنهاد جلب توجه معلمان را به تبعیض جنسی مطرح می‌کند و یکی از راه‌های مهم این کار را پخش گزارشی در دانش‌سراهای تربیت معلم می‌داند که در این باره در پرو انجام شده است. این پژوهش می‌افزاید که باید معلمان را به شرکت در تدوین مطالب آموزشی تشویق کرد و برگذاری کلاس‌های درس مختلط را در دانش‌سراها گسترش داد.

در پژوهشی که لیزدونیکان دربارهٔ کبک انجام داده [2] پیش‌بینی شده است که مجموعه‌ای از سفارش‌ها و رهنمودها در میان نمایندگان محافل مختلفی که مورد نظر هستند - از جمله معلمان - پخش شود، سفارش‌ها و رهنمودهایی که ممکن است به استفاده‌کنندگان از آن‌ها در واکنش در برابر هر مطلب آموزشی تبعیض‌آمیزی که هم‌اکنون رایج است، یاری برساند - البته پیش از تهیهٔ کتاب‌های درسی تبعیض‌ستیز. علاوه بر این خواسته شده است «که کمیسیون‌های آموزشی و مدارس با ایجاد کمیته‌های ویژه‌ای به ارزیابی مجدد کتاب‌های درسی رایج پردازند. این کمیته‌ها ممکن است دائمی بشوند و سپس به بررسی دیگر عوامل تبعیض براساس جنس در تشکیلات آموزشی پردازند [...]». معلمان نیز باید روش‌های انتقال برخوردهای تبعیض‌آمیز از رهگذر مدرسه را بررسی کنند و نقش خاص خود را در پرورش یا تقویت این برخوردها در شاگردان آشکار سازند» [2:184].

بنابراین بیشتر نویسندگان پژوهش‌هایی که درباره تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی صورت گرفته است، معتقدند که فعالیت آموزشی در میان معلمان، نقش اساسی دارد. در بیشتر موارد این فعالیت از چارچوب خاص کتاب‌های درسی فراتر می‌رود، زیرا که یکی از هدف‌های این

است که معلمان را - در جریان آموزش اولیه یا در طول زندگی شغلی آنان - از مسئولیت‌های خاصشان در زمینهٔ پیکار با تبعیض جنسی هرچه بیشتر آگاه سازد. در واقع به کلی دور از عقل و ناممکن است که تبعیض جنسی در روابط معلمان با دانش‌آموزان وجود داشته باشد، اما بخواهیم آن را در کتاب‌های درسی از بین ببریم. برای دستیابی به این هدف، «شورای جایگاه زن» در حکومت کبک پیشنهاد می‌کند که پرسشنامه‌ای در میان معلمان پخش شود که برای هر معلمی، امکان ارزیابی رفتار خود را با شاگردان دختر و پسر، فراهم می‌آورد. این پرسشنامه به تفصیل در جدول شماره ۵ آمده است و می‌توان آن را با همین صورت یا با تغییراتی برای آموزش معلمان، به آسانی به کار برد.

باید افزود که کاربرد ویدئو در کلاس، شناسایی رفتار شاگردان و نیز تفاوت رفتار معلمان را در برابر شاگردان، براساس جنس آنان، ممکن ساخته است [38]. می‌توان امیدوار بود که این کاربرد، آگاهی‌یابی از تبعیض جنسی را در روابط معلمان با شاگردان در جریان برنامهٔ آموزش معلمان، آسان‌تر کند.

اقدامات لازم در میان مربیان و مشاوران تربیتی

هرچند رهنمودهای پیشین نه فقط برای معلمان، بلکه برای مجموعهٔ مربیان بیان شده، جای آن دارد که به اقدامات لازم در میان مشاوران تربیتی و مربیان آموزشی و حرفه‌ای نیز اشاره‌ای خاص بشود. ساروجینی

جدول شماره ۵. پرسشنامه

آموزگاران گرامی، آیا شما در کلاس‌های خود به تبعیض جنسی می‌پردازید؟

- ۱- به طور کلی از پسران کلاس می‌خواهید که سنگین‌ترین کارها (مانند حمل جعبه‌های بزرگ) را انجام دهند و از دخترها خواستار کارهای سبک‌تر (مانند آب دادن به گیاهان) می‌شوید؟
- ۲- برای یک کار گروهی، کارهای منشی‌گری را به دختران، و وظایف مدیریت را به پسران پیشنهاد می‌کنید؟
- ۳- آیا به تقسیم پسران و دختران، در سپردن تکالیف، یا نقش‌های متمایز در اجرای کارها، یا صرفاً در نشانیدن هر یک از آنان در سمت «خاص خودشان» در کلاس، گرایش دارید؟
- ۴- از دخترانی که ناتوان هستند یا از خوش‌پوشی خودداری می‌ورزند، ایراد می‌گیرید؟ آیا برایتان پیش آمده است که توجه دیگران را به دخترانی که بیش از همه باب‌روز هستند یا بهترین آرایش را کرده‌اند، جلب کنید؟
- ۵- آیا از پسرانی که دست و پا چلفتی هستند یا چندان علاقه‌ای به ورزش ندارند، ایراد می‌گیرید؟ آیا برایتان پیش آمده است که توجه دیگران را به پسرانی که ورزشکارتر از دیگران هستند، جلب کنید؟
- ۶- آیا در برابر پسرانی که موی بلند یا دست‌بند و گردن‌بند دارند، یا در برابر دخترانی که شلوار می‌پوشند و اکنش منفی نشان می‌دهید؟
- ۷- آیا انتظار دارید که دختران بهتر از پسران سخن بگویند؟
- ۸- آیا انتظار دارید که پسران بلندتر و بدتر از دختران حرف بزنند؟
- ۹- آیا فکر می‌کنید که علوم و ریاضیات با علائق پسران، و ادبیات و زبان با علائق دختران هماهنگ‌تر است؟
- ۱۰- آیا عادی‌تر آن می‌دانید که پسری، دختری را هل بدهد یا این که دختری، پسری را؟

- ۱۱- آیا بی هیچ اعتراضی می‌پذیرید که پسران، دختران را مسخره کنند و با خود بگویند که این نشانه مردانگی است؟
- ۱۲- آیا تاکنون برای تنبیه پسری، او را در کنار یکی از دختران همکلاسیش نشانده‌اید؟
- ۱۳- در مدرسه شما، حیاط بازی، دست‌شویی و کتابخانه دختران و پسران از هم جداست؟
- ۱۴- آیا دانش‌آموزان مجبورند که کارگاه‌های معینی را براساس جنس خود انتخاب کنند (آشپزخانه برای دختران، نجاری و مکانیکی برای پسران)؟
- ۱۵- آیا مدرسه شما دختران را به همان اندازه پسران برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی تشویق می‌کند (انتخاب رشته‌ها، ساعت‌های دستیابی به وسایل و تجهیزات، مربی، بودجه، تبلیغات برای مسابقه)؟
- ۱۶- آیا شما ویژگی‌های زیر را در یکی از دو جنس کمابیش مطوب می‌شمارید:

وابستگی

روحیه استقلال

اهمال‌کاری

اطمینان و اعتماد به نفس

عادت به قسم خوردن

اطمینان، آمادگی و دقت

کمرویی، فقدان ابتکار

حساسیت و خیال‌پردازی

حالت رهبری

فرمانبرداری

بلندپروازی، رقابت جویی

بد بودن لباس (یا چهره و حالت)

- ۱۷- آیا معتقدید که آماده کردن پسران برای کامیابی در زندگی شغلی، مهم‌تر از آماده کردن آنان برای موفقیت در زندگی خانوادگی است؟
- ۱۸- آیا گزینش‌های شما در مورد دختران، برعکس پسران نیست؟

به نقل از:

بیزاریا در پژوهش خود اهمیت این اقدام را خاطر نشان کرده است [5]: «در برنامه‌های راهنمایی و مشاوره برای مدارس، تدبیر لازم باید به درهم شکستن محدودیت‌های اجتماعی که تحمیلی جدایی میان جنس‌ها هستند، یاری برساند. در هند، برای دستیابی به این هدف برنامه‌های پژوهشی برای مشاوران مدارس گسترش یافته است».

در فرانسه معلوم شده است که کلیشه‌های تبعیض جنسی برگزینش دختران که غالباً بیش از ۸۰٪ آنان به سوی شغلی سنتی کشیده می‌شوند، تأثیر می‌گذارند. آموزشی که دختران دریافت می‌دارند، ۳۰٪ تخصص را دربر می‌گیرد، اما آموزش پسران، ۳۰۰٪ تخصص را! چنین موقعیتی، دست کم تاحدی زیاد نتیجهٔ فقدان آموزش دختران و نیز مشاوران و مربیانی است که آنان را غالباً به سوی حرفه‌های سنتی راهنمایی می‌کنند. در ایالات متحدهٔ آمریکا، طرفداران حقوق و آزادی زنان و افراد علاقه‌مند به شکوفایی توانایی‌ها و استعداد‌های تمام کودکان - بی‌هیچ استثنایی - نیک آگاهند که کلیشه‌های تبعیض جنسی را مربیان تربیتی در میان دانش‌آموزان هر دو جنس حفظ می‌کنند.

نخستین ایرادی که از مشاوران تربیتی گرفته می‌شود، بی‌خبری آنان از قوانین برابری طلبانه و پیامدهای منفی این بی‌خبری است: نظر آنان در راهنمایی شاگردان، به ویژه دختران، به سمت حرفه‌های سنتی؛ نحوه استفادهٔ آنان از تست‌ها و کتاب‌های درسی و «راهنما‌های مشاغل حرفه‌ای» که انباشته از کلیشه‌های تبعیض جنسی هستند؛ نحوهٔ سخن گفتن آنان از فعالیت‌های سنتی مردانه و فعالیت‌های به اصطلاح زنانه؛ چگونگی استفادهٔ آنان از واژگان مذکر برای اشاره به بعضی از مشاغل، به عنوان مثال کاربرد واژهٔ سیاست‌مرد به جاسی سیاستمدار. علاوه بر این، بر

رفتار سنتی غیرکلامی آنان نیز خرده گرفته می‌شود که در واقع این مفهوم را به شاگردان منتقل می‌سازد که برای هر جنس، گزینش‌های شایسته و ناشایسته‌ای وجود دارد و بدین ترتیب مشاوران تربیتی به جای تشویق شاگردان به برگزیدن رشته‌ها یا حرفه‌های غیرسنتی، آنان را از این کار باز می‌دارند یا دست کم از چنین امکانی بی‌خبرند [35].

برنامه *Born free* برای کاهش و حذف تبعیض جنسی در میان مربیان و مشاوران تربیتی، پیشنهاد می‌کند که نه فقط هرگونه جلوه تبعیض جنسی در تست‌ها و پرسشنامه‌هایی که به دانشجویان عرضه می‌شود و به‌طور کلی در مجموع مواد و مطالب آموزشی از میان برداشته شود، بلکه مربیان و مشاوران تربیتی نیز به گردهمایی‌هایی که جزو ساعت کارشان محسوب خواهد شد، دعوت شوند. در جریان این گردهمایی‌های چند روزه، مربیان و مشاوران همپای اولیا و معلمان در تمرین کسب شناخت جمعی و فردی از نگرش‌ها و رفتارهای کلیشه‌ای براساس جنس شاگردان، و آشنایی با کلیشه‌های تبعیض جنسی در نظام آموزشی، مواد و مطالب درسی، تست‌ها، کتاب‌های درسی و مانند آن‌ها شرکت می‌کنند. به علاوه، با توجه به این که در آموزش علوم و ریاضیات برانگیزش‌های مردانه تأکید می‌شود و دختران را از توجه به این رشته‌ها باز می‌دارند، کشورهای بسیاری به ویژه ایالات متحده آمریکا، انگلستان، سوئد، نروژ برنامه‌های ویژه‌ای برای تغییر این وضعیت و تشویق دختران در پیش گرفته‌اند [35].

حال که در تمام پژوهش‌ها تأکید شده است که به معلمان و نیز تمام مربیان باید از همان دوره دانش‌سرا و یا پس از اشتغال به کار، در دوره‌های بازآموزی، اصول و شیوه ستیز با تبعیض جنسی آموزش داده شود، جای آن دارد که اصول عمده ضروری برای این آموزش را یادآور

شویم. کمیسیون جامعه اروپا، چند اصل راهنما را برای هدایت آموزش ضد تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و نیز در دوره‌های بازآموزی پیشنهاد کرده است [22,par2:66]: «بہتر است کہ بہ تمام برنامه‌های درسی آغازین معلمان در دانش‌سراها، داده‌هایی درباره نقش‌های دو جنس در آموزش، درباره تأثیر تشکیلات آموزشی بر دختران و پسران و بر جایگاه زن در جامعه، افزوده شود. از وضعیت و محتوای دوره‌های کنونی چندان اطلاعی در دست نیست، اما می‌توان اندیشید کہ دانش‌سراهای تربیت معلمی کہ در برنامه‌های اصلی خود «مطالعاتی درباره وضعیت زن» یا پیامدهای تفاوت‌های جنسی در مدارس را می‌گنجانند، بسیار نادرند. در این میان یک مشکل اضافی نیز وجود دارد کہ عبارت است از جدا افتادگی معلمان از دنیای بیرونی کار. این مشکل باعث می‌شود کہ معلمان آمادگی لازم را برای رویارویی با برخوردهای مستی دختران یا پسران پیدا نکنند. ما باید بہ ویژه در تمام برنامه‌های آموزشی معلمان، مدرن‌ترین روش‌های روان‌شناسی کودک را بگنجانیم. از روش‌هایی کہ نظریه‌های قدیمی درباره تفاوت‌های فطری (فکری) بر اساس جنس را بہ پرسش می‌گیرند تا روش‌هایی کہ بہ یاری برداشت‌های جدید بہ پیکار با تأثیرات تحمیلی زود هنگام الگوهای رفتار کلیشه‌ای بہ کودکان می‌پردازند. مفاهیم «مردانگی» یا «زنانگی» عام یا یکپارچه را بہ ویژه باید در عرصه آموزش و پرورش بہ دور انداخت. تفاوت‌های موجود در میان افراد یک جنس، آشکارتر از تفاوت‌های میان دو جنس است.»

به عبارت دیگر، آموزش پیکار با تبعیض جنسی موجود در کتاب‌های درسی بہ معلمان، در گرو آموزش ردّ تمام شکل‌های تبعیض

جنسی است که حیثیت زنان را نادیده می‌گیرند.

اقدامات لازم در میان شاگردان

در بیشتر پژوهش‌هایی که به تقاضای یونسکو صورت گرفته، توصیه شده است که معلمان در کلاس‌های خود، روحیه انتقادی شاگردان را برای رد تبعیض جنسی، به ویژه در مورد محتوای کتاب‌های درسی، برانگیزانند. در پژوهشی که دربارهٔ نروژ صورت گرفته، دربارهٔ اهمیت این نقشی که به معلمان واگذار شده، آمده است: «جای آن دارد که معلمان با رفتار خود، با کتاب‌های درسی که به کار می‌برند، و نیز با نحوهٔ گزینش و معرفی متن‌های درسی، تصویری بسیار دقیق از واقعیت ارائه دهند و به یاری اطلاعات عینی و واقعی، با برخوردهای تبعیض آمیز پیکار کنند. آماده‌سازی شاگردان برای زندگی خانوادگی و دنیای کار و زندگی در جامعه باید چنان باشد که آنان دریابند انسان‌ها، به هر جنسی تعلق داشته باشند، دوشادوش هم در تمام عرصه‌های جامعه، کارها و مسئولیت‌ها را عهده‌دار می‌شوند» [2:13].

لیز دونیگان نیز سفارش می‌کند که «معلمان (به کمک مباحثات و تمرین‌های روزانه) برخوردی انتقادی را به تصویر کلیشه‌ای دو جنس در کتاب‌ها و مطالب درسی، در ذهن دانش‌آموزان برانگیزانند» [2:184].

براساس برنامهٔ «زایش آزاد»، فعالیت لازم در میان دانش‌آموزان باید اقدامات زیر را دربرگیرد [35]:

۱. شناساندن دقیق و کامل قوانین برابری جنس‌ها و نیز حقوق ناشی از آن‌ها، از جمله راه‌های شکایت بر ضد تبعیضات، به تمام دانش‌آموزان؛
۲. کمک به آنان در شناخت نحوه‌های گوناگون جلوهٔ کلیشه‌های

تبعیض جنسی در مدارس و تأثیرات منفی آن‌ها؛ کمک به آنان در درک شیوه جامعه‌پذیری خود آنان؛

۳. آموزش شیوه ژرف‌اندیشی و بررسی انتقادی به آنان دربارهٔ تعلیم و تربیتی که دریافت می‌دارند و نیز آموزش نحوهٔ شناسایی کلیشه‌ها و پیشداوری‌های تبعیض‌آمیز در کتاب‌ها و برنامه‌های درسی، تربیت، انتخاب رشته و حرفه و نیز برخوردهای کارکنان آموزشی به آنان؛

۴. فهماندن این نکته به دانش‌آموزان پسر و دختر که آنان می‌توانند در این عرصه، از عوامل دگرگونی برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه باشند، و کمک به آنان در گام گذاشتن در این راه؛

۵. آگاه ساختن آنان از اهمیت وضعیت جسمانی مناسب برای پسران و دختران و تشویق یکایک آنان - اعم از دختر یا پسر - به داشتن فعالیت ورزشی، پافشاری بر این نکته که شرایط شرکت و امکانات عرضه شده، باید برای همگان برابر باشد؛

۶. فهماندن این مفهوم به دختران که هیچ رشتهٔ تحصیلی یا درسی وجود ندارد که در انحصار یکی از جنس‌ها باشد و آنان نیز مثل پسران می‌توانند ریاضیات یا هر رشتهٔ علمی دیگری را بخوانند و یا حرفه‌های به ظاهر مردانه را فراگیرند. به پسران نیز باید توضیح داد که آنان نیز مانند دختران می‌توانند به کارهای خانگی، بچه‌داری یا هر فعالیت دیگری که تاکنون فقط مختص دختران بوده است، پردازند.

بنابراین، هدف برنامهٔ «زایش آزاده» آن است که در تمام عرصه‌ها به همهٔ دانش‌آموزان آموزشی تبعیض‌ستیز بدهد. چنین برنامه‌ای بی‌تردید بدون کمک معلمان انجام‌پذیر نیست. به همین جهت راهنمایی با عنوان *Equal their chances* [39] (برابری امکانات) برای معلمان و به ویژه برای

آموزگاران دوره ابتدایی نگاشته شده که هدفش آگاه ساختن معلمان از شیوه‌های کمک به دانش‌آموزان در شناسایی جلوه‌های گوناگون تبعیض جنسی است. اما کنار زدن تصویرهای منفی، کافی نیست؛ باید به نوآوری‌های اخلاقی پرداخت که تصویری مثبت‌تر از دختران و زنان عرضه می‌کنند و اطلاعات دقیق‌تر و روزآمدی را درباره امکانات مختلفی که، به ویژه در عرصه آموزشی و شغلی در اختیارشان قرار دارد، فراهم می‌آورند و بدین ترتیب به آنان یاری می‌رسانند تا در مقام انسان‌های مؤثر، استعداد‌های خود را هرچه بهتر شکوفا سازند. چنین برخوردی به آنان امکان می‌دهد تا شناختشان را از آنچه در عرصه آموزش و پرورش و کار و خانواده، انجام‌پذیر است، گسترش بخشند؛ به آنان یاری می‌رساند تا دریابند که می‌توانند اختیار و مهارت‌هایشان را خود در دست گیرند؛ امکان و تجربه داشتن مقام مدیریت را در فعالیت‌های حرفه‌ای آتی در اختیارشان قرار می‌دهد...

در تجربه آمریکایی «زایش آزاد» همه چیز چنان می‌گذرد که گویی آگاهی‌یابی کودکان از تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی از تلاش تربیتی و آموزشی معلم یا هر مربی دیگری جدایی‌ناپذیر است. این تلاش نه فقط مستلزم آن است که کلیشه‌های منفی رد شوند، بلکه باید با اثبات تصویرهای مثبت جنس مؤثر نیز همراه باشد، به نحوی که احساس عزت و برابری با پسران را در دختران بیدار و تقویت کند.

در فرانسه هرچند در یک بخشنامه دولتی از معلمان خواسته می‌شود که به شناسایی و نقد تمام شکل‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی بپردازند، هنوز باید در این مورد به جلب توجه و کار آگاهی بخش دست زد تا معلمان توانایی شناسایی جلوه‌های تبعیض جنسی را پیدا کنند و

نحوه رفتار مناسب با شاگردان را فراگیرند. یکی از کارهای مثبت «انجمن حمایت از آموزش و پرورش تبعیض ستیز» تهیه مواد و مطالب آموزشی برای راهنمایی عملی معلمان و مربیان است. این مطالب به طور عمده عبارت است از یک «چمدان نمایشی» که بیست و شش تابلوی چوبی دو طرفه را دربرمی گیرد. این تابلوها، تصویر کوچک شده تابلوهای چوبی بسیار گسترده (حدود صد متر) را که برای بینندگان بیرون از مدرسه آماده شده است، عرضه می کنند. به علاوه در این چمدان آموزشی، اسلایدها و نوارهای ویدئو نیز وجود دارد که معلمان می توانند با استفاده از آنها با شاگردان درباره تبعیض جنسی به بحث پردازند. برای جلب توجه هرچه بیشتر شاگردان به این موضوع، معلمان می توانند از یکی از اعضای این انجمن کمک بگیرند.

در پژوهشی که درباره پرو صورت گرفته نیز کاربرد تلویزیون برای پخش تصویرهای ضد تبعیض جنسی در میان شاگردان توصیه شده و آمده است که این تصویرها باید هرچه بیشتر از تبعیض جنسی، دورتر، و به واقعیت نزدیک تر باشند.

نتیجه گیری

این فصل را با یادآوری نکته‌ای به پایان می‌رسانیم: در تمام پژوهش‌های پیشگفته نشان داده شده است که سرپای نظام آموزشی، از کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان گرفته تا رفتارهای گروه‌های متفاوت افراد کادر آموزشی، آلوده به تبعیض جنسی است. در نتیجه برای نابودی تبعیض جنسی نمی‌توان فقط به تلاش برای اصلاح کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان بسنده کرد. در برنامه زایش آزاد نیز بر همین

نکته پافشاری شده است [35]: پاکسازی کتاب‌های درسی از کلیشه‌های تبعیض آمیز، ضروری است، اما اگر دگرگونی‌هایی در دیگر مطالب و مواد آموزشی صورت نگیرد، اگر معلمان در نیابند که رفتار آنان با پسران و دختران، نادرست و تبعیض آمیز است، اگر زنان بیشتری در مقام‌های ریاست و مدیریت نباشند، اگر ساختارهای مدرسه که امکان‌ها و امیدهای متفاوتی برای دختران و پسران فراهم می‌آورند، دگرگون نشوند، صرف زدودن کلیشه‌های تبعیض آمیز از کتاب‌های درسی برای حل مشکل تبعیض جنسی در مدارس کافی نیست. چنین دگرگونی‌هایی در دانشگاه‌ها و دانش‌سراهای تربیت معلم نیز ضروری است.

برای ریشه‌کنی تبعیض جنسی در مدرسه، فعالیت میان مسئولان متعدد آموزشی ضرورت دارد و همین امر، تعیین اولویت‌های لازم را دشوار می‌سازد. البته در کشورهایی که اقتصاد برنامه‌ریزی شده دارند، دخالت مستقیم دولت برای ممنوع ساختن تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی یا کتاب‌های کودکان آسان‌تر است، اما چنین دخالتی مسئله تبعیض جنسی را در مدرسه به تمامی حل نمی‌کند، چرا که این مسئله ممکن است در برخورد‌های معلمان به دانش‌آموزان یا در سلسله مراتب نظام آموزشی مبتنی بر جنس جلوه‌گر شود. به همین سبب بهتر آن است که فعالیت ضد تبعیض جنسی در درون نظام آموزشی، به صورت همزیستی منظم مجموعه‌ای از اقدامات در میان تمام عاملان درگیر، در تمام عرصه‌های آموزش و پرورش در نظر گرفته شود.

برای دستیابی به همین هدف، شورای اروپا [4:3-4] (در پی گردهمایی هونفوس در نورژ) قطعنامه‌ای صادر کرد که می‌توان برنامه‌های نابودی تبعیض جنسی در مدارس را براساس آن استوار ساخت. در این

قطعنامه، هماهنگی فعالیت‌های گوناگون برای رسیدن به اهداف زیر خواسته شده است: گردآوری آمارهایی که تفاوت‌های موجود میان دختران و پسران را در درون نظام آموزشی آشکارا نشان می‌دهند؛ آگاه ساختن معلمان و تمام کارکنان مدارس، از چگونگی رفتارهایشان با دانش‌آموزان (به کمک ویدئو) و عرضه اطلاعات پایدای (از همان مقطع دانش‌سرا) درباره تفاوت‌های جنسی که هنوز در مدارس موجودند؛ استخدام هرچه بیشتر زنان برای تدریس در رشته‌های علمی و فنی و برای مقام‌های مدیریت در درون نظام آموزشی؛ نابودی تبعیض جنسی در تمام مطالب آموزشی و برنامه‌های درسی؛ استخدام هرچه بیشتر زنان برای تدریس در رشته‌های علمی و فنی و برای مقام‌های مدیریت در درون نظام آموزشی؛ هدایت هرچه بیشتر دختران در عرصه آموزشی و شغلی به نحوی که آنان رشته‌ها یا حرفه‌های آتی خود را با آگاهی تمام انتخاب کنند.

۶. اقدامات ضروری در بیرون از نظام آموزشی برای زدودن تبعیض جنسی

اقدامات ضروری در بیرون از نظام آموزشی باید در وهله نخست پدید آورندگان کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان (ناشران، نویسندگان، تصویرگران)، خریداران (اولیای دانش‌آموزان و در مواردی نیز شهرداری‌ها) انجمن‌ها، رسانه‌های گروهی که اطلاعات و اخبار را در میان عامه مردم پخش می‌کنند، اتحادیه‌ها و سرانجام کارفرمایانی را که امکان استخدام دارند، دربرگیرد.

اقدامات لازم در میان ناشران و نویسندگان و تصویرگران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان

فعالیت ضروری میان ناشران و نویسندگان و تصویرگران کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان تابع نظام تولید فرهنگی حاکم در کشور است. در کشورهایی که اقتصاد برنامه‌ریزی شده دارند و تولید کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان زیر نظر دولت و یکی از وزارت‌خانه‌ها (وزارت آموزش و پرورش یا فرهنگ) انجام می‌شود، رهنمودهای لازم در این عرصه از بالا صادر می‌شود، اما در کشورهایی که اقتصاد مبتنی بر بازار دارند، و در آن‌ها بنگاه‌های انتشاراتی بخش خصوصی، براساس قانون بازرگانی سود، آثار مناسب برای کودکان را برمی‌گزینند، رهنمودها و ابتکارها از پایین می‌آید. در هر یک از این دو نظام، مسائل خاصی مطرح می‌شود.

از زمان تأسیس جمهوری خلق چین، کار تهیه و انتشار کتاب‌های

درسی برای دوره ابتدایی و دوره متوسطه (سیکل اول) را اساساً انتشارات آموزشی خلق برعهده دارد. این انتشارات تابع وزارت آموزش و پرورش و زیر نظارت شورای امور دولتی است. کتاب‌های کودکان را نیز عمدتاً بنگاه‌های انتشاراتی بزرگ و تخصصی پکن و شانگهای که زیر نظر وزارت فرهنگ اداره می‌شوند، منتشر می‌سازند. در نتیجه، در جمهوری خلق چین، وزارت خانه‌های آموزش و پرورش و فرهنگ می‌توانند مجموعه‌ای از تدبیرهای ضروری را برای بنگاه‌های انتشاراتی و نویسندگان، به آسانی برنامه‌ریزی کنند. به همین سبب، وزارت آموزش و پرورش خواهان آن است که به طور همزمان اقداماتی را در زمینه پیشگیری و پرورش انجام دهد و می‌دانیم که اقدامات در این دو عرصه، به هم پیوسته هستند. در زمینه پیشگیری، وزارت خانه به عنوان مثال مقرر می‌دارد که افراد مسئول بررسی و صدور مجوز برای محتوای کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، دقیق‌تر و جدی‌تر باشند [10:65]: «این افراد برای آن که تمام مسائلی را که ممکن است در این باره مطرح شوند، پیش از انتشار و پخش آثار میان خوانندگان کودک و نوجوان، از میان بردارند، باید با مشورت با نویسنده مورد نظر، به بازبینی ژرف تمام آثاری پردازند که در آن‌ها اصل برابری [جنس‌ها] رعایت نشده است.» در زمینه آگاهسازی و پرورش افراد، وزارت فرهنگ مقرر داشته که الگوی راهنمای پژوهش که یونسکو برای شرکت‌کنندگان در مجموعه بررسی‌های ملی درباره سیمای زنان و مردان در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، پیشنهاد کرده، همراه با بررسی‌هایی که در چین صورت گرفته است، پخش شود. این کار در درجه اول باید در میان تمام بنگاه‌های بزرگ نشر آثار برای کودکان و نیز در دفاتر یا دوایر نگارش که

تأحیدی از نفوذ و اعتبار برخوردارند، صورت گیرد و در وهله دوم در میان نویسندگان و معلمان، با این هدف که «همگان از چند و چون مسئله با خبر شوند و بتوانند توجه لازم را به آن ابراز دارند» [10:64].

علاوه بر این پیش‌بینی شده است که یک «برنامه آگاهسازی» در سطح ملی برای جلب توجه اهالی کشور به مسئله نابرابری در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان، سازماندهی شود. این برنامه در آغاز در جریان گردهمایی سراسری کمیته ملی فرهنگ و هنر برای کودکان، در میان مدیران اداره‌های فرهنگ تمام استان‌ها، مسئولان ادارات مرکزی مورد نظر و پدیدآورندگان (نویسندگان و تصویرگران) که از مناطق مختلف چین آمده‌اند، اجرا می‌شود. آنان عامل دگرگونی در سطح محلی خواهند بود. به علاوه پیش‌بینی شده که در تمام مناطق کشور، برای آموزش نویسندگان کتاب‌های کودکان، گردهمایی‌هایی برگزار گردد و از سازمان‌های توده‌ای (فدراسیون زنان چینی، کمیته ملی هماهنگی برای نوباوگی و مانند آن‌ها) نیز استفاده شود.

سرانجام وزارت فرهنگ نوعی فعالیت تشویقی را پیش‌بینی می‌کند که هدفش پاداش دادن به آثار ادبی برای کودکان براساس معیار نمایش برابر زنان و مردان در متن‌ها و تصویرهاست، زیرا باید «نویسندگان و تصویرگرانی را که اثری ارزشمند آفریده‌اند، در زمان مناسب، تشویق کرد و در برخورد به نارسایی‌ها نیز انتقادهای دقیقی به عمل آورد» [10:64].

بنابراین هدف اقدامات ضد تبعیض جنسی در چین عبارت است از انجام بهترین روش برای پیشگیری، همراه با فعالیت عمودی و سلسله مراتبی آگاهسازی و آموزش که از بالا (وزارت فرهنگ یا آموزش و پرورش) شروع می‌شود و به نویسندگان و تصویرگران کتاب‌های درسی و

کتاب‌های کودکان می‌رسد، و این کار در تمام مناطق کشور صورت می‌پذیرد.

در پژوهشی که دربارهٔ اوکراین صورت گرفته، پیشنهاد شده است که «وزارت آموزش و پرورش جمهوری سوسیالیستی (سابق) اوکراین، «انجمن پژوهش فلسفی» در آکادمی علوم، «انجمن پژوهش تربیتی»، «انجمن پژوهش روان‌شناختی»، دانش‌سراهای تربیت معلم و دانشگاه‌های جمهوری اوکراین به ایجاد گروه ویژه‌ای پردازند که هدف آن، تدوین رهنمودهای لازم برای حذف تصویرهای نادرست (نه فقط از دیدگاه برابری جنس‌ها، بلکه به طور عام‌تر از نظرگاه جمعیت‌شناختی، قومی و به ویژه زیبایی‌شناختی) است» [11:35]. این رهنمودها که براساس بررسی تدوین خواهند شد که در چارچوب مجموعه بررسی‌های ملی پیشنهادی یونسکو، در اوکراین صورت گرفته است، باید در میان پدیدآوردگان آثار ادبی و کتاب‌های درسی و مدیران نشریات و مجموعه‌های خاص کودکان پخش شوند.

بنابراین، انستیتوی دولتی آموزش و پرورش، برای فعالیت مقامات تصمیم‌گیرنده در زمینهٔ آموزشی، در میان پدیدآوردگان و ناشران کتاب‌های کودکان، اهمیت اساسی قائل است.

در پرو، باوجودی که تدوین و انتشار کتاب‌های درسی در اختیار بنگاه‌های خصوصی است، ارزیابی رسمی کتاب‌های درسی در سطح کشور از شرایط کاربرد آن‌ها در مؤسسات آموزشی است، زیرا وزارت آموزش و پرورش معتقد است که باید «مراقب بود که کتاب‌های درسی راهنماهای راستینی برای آموزش دانشجویان باشند» (بخشنامه‌های دولتی شماره 2114-69 و 215-69). «برای این کار، کمیسیون‌هایی به

وجود آمده و شرایط حداقلی که باید در کتاب‌های درسی رعایت گردند، معین شده‌اند» [41:21-22]. اما INIDE (انستیتوی ملی پژوهش و پیشرفت در عرصه آموزش و پرورش)، سازمان دستگاہ آموزشی دولت پرو، تا به امروز، برای موافقت یا مخالفت با فروش و کاربرد کتاب‌های درسی در مدارس، وجود کلیشه‌های تبعیض جنسی را نادیده گرفته است، ولی این معیار باید در ردیف شرایطی جای گیرد که رعایت آن‌ها اساسی و الزامی است. به علاوه، نویسندگان پژوهش درباره پرو [21] توصیه می‌کنند که INIDE در میان نویسندگان و ناشران به فعالیت پردازد تا آنان را به آگاه شدن از وجود کلیشه‌های تبعیض آمیز در کتاب‌های درسی و به نگارش کتاب‌های جدید و تبعیض ستیز، تشویق کند.

بدین ترتیب فعالیت دوگانه پیشگیری و نظارت، برای پیکار با تبعیض جنسی در مدرسه، در نظر گرفته شده است.

نویسنده پژوهشی که درباره زامبیا صورت گرفته، معتقد است که نهادهای عمومی و دولتی باید به مسئله مهمی در مورد کاربرد زبان انگلیسی به عنوان زبان انتقالی مشترک برای قوم‌های متفاوت توجه کنند، زیرا که کتاب‌های درسی انگلیسی زبان رایج در مدارس را معمولاً نویسندگان خارجی نوشته‌اند که «چون به فرهنگ زامبیایی تعلق ندارند، فقط می‌توانند برداشت و توصیفی سطحی از هویت انسان زامبیایی ارائه دهند. آنان چه بسا در نمایش افراد دو جنس در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان دچار افراط شوند» [20:34]. برای رفع این نقص باید که «اتباع هر کشور - در این مورد، اتباع زامبیا - به نگارش متن‌های کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان پردازند. همانا اهالی زامبیا هستند که فرهنگ مردمشان را می‌شناسند و آن را در اعماق وجود خویش

احساس می‌کنند. اهالی زامبیا هستند که پیشداوری‌های تبعیض آمیز زامبیایی‌ها را در حرف و نظریه و عمل و رفتار می‌شناسند و به راه‌های مبارزه با آن‌ها نیز آگاهی دارند» [20:34].

از سوی دیگر این نویسنده «توصیه‌ا کنید می‌کند که کتاب‌های درسی را نویسندگان مرد وزن زامبیایی مشترکاً بنویسند تا جوانان و بزرگسالان هر دو جنس با دقت و انصاف توصیف شوند. بدیهی است که این نویسندگان باید به اهمیت برابری میان زنان و مردان باور ژرف داشته باشند [...]». در حال حاضر در زامبیا تعداد نویسندگان زن بسیار کمتر از مردان نویسنده است. اما در همین حال نیز باید برای مشارکت زنان در نگارش کتاب‌ها تلاش ورزید. ما توصیه می‌کنیم که زنان در کمیسیون‌های مسئول برنامه و موضوع امتحانات، در شورای امتحانات - نهاد مسئول تدوین برنامه‌های درسی در جمهوری زامبیا - عضویت داشته باشند» [20:34].

ضرورت افزایش نقش زنان در نگارش کتاب‌های درسی را نویسندگان پژوهش مربوط به نروژ نیز توصیه کرده‌اند: «ناشران باید هرچه بیشتر به نویسندگان و تصویرگران زن روی آورند» [12:105]. در بررسی مربوط به کویت نیز بر همین نکته پافشاری شده است [25].

در کشورهای صنعتی که اقتصاد بازار آزاد دارند، فعالیت میان ناشران و نویسندگان کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان را بیش از همه جنبش‌ها یا انجمن‌های طرفدار حقوق و آزادی زنان انجام می‌دهند که ارتقای وضعیت زنان و برابری آنان را با مردان دنبال می‌کنند.

در ایالات متحده آمریکا، فعالیت میان ناشران و نویسندگان با فعالیت میان نهادهای مسئول آموزش و پرورش در حکومت فدرال یا ایالت‌ها

همگام بوده است. گروه‌های طرفدار حقوق و آزادی زنان در درون یا بیرون دانشگاه، در این جا و آن جا برای افشای بقای تصویرهای کلیشه‌ای زنان و مردان در کتاب‌های درسی و برای پیشنهاد گزینه‌ای دیگر، به فعالیت پرداخته و گاهی از کمک اولیای دانش‌آموزان نیز برخوردار شده‌اند. حاصل این فعالیت چشمگیر بوده است. از جمله در سال ۱۹۷۳ انتشارات مک‌گرو - هیل راهنمایی برای برخورد برابر به دو جنس در کتاب‌های درسی منتشر کرده است. دیگر ناشران کتاب‌های درسی در آمریکا نیز از اقدام مک‌گرو - هیل به نحوی گسترده پیروی کرده و راهنماهایی برای نگارش کتاب‌های تبعیض‌ستیز برای نویسندگان فرستاده‌اند. علاوه بر این، ناشران به پیروی از مک‌گرو - هیل، تعداد بسیاری از طرفداران حقوق و آزادی زنان، از جمله برخی از اعضای سازمان ملی زنان (NOW) را استخدام کرده‌اند. این افراد با آگاهی کامل مصمم بودند که برای انتشار کتاب‌های درسی تبعیض‌ستیز، به بنیگاه‌های انتشاراتی خود یاری برسانند. فعالیت در میان ناشران عمدتاً عبارت بوده است از متقاعد کردن آنان به این که پافشاری در راه حفظ کلیشه‌های تبعیض‌آمیز، منافع آنان را به خطر خواهد انداخت.

در فرانسه وزارت آموزش و پرورش اصل رایگان بودن کتاب‌های درسی برای تمام کلاس‌های دوره دبستان و دوره اول دبیرستان را مقرر کرده است. اما در حالی که شهرداری‌ها بودجه‌ای سالانه برای خرید کتاب‌های درسی دبستانی اختصاص می‌دهند، وزارت آموزش و پرورش، کتاب‌های درسی دوره دبیرستان را خریداری می‌کند. چه بسا تصور شود که چون این وزارت‌خانه نهادی است که کتاب‌های درسی دبستانی و دبیرستانی را خریداری می‌کند، وزیر آن می‌تواند بر ناشرانی که

در حکم پیمانکار هستند، تأثیر بگذارد. اما در واقع ناشران هستند که تحت عنوان «آزادی آفرینش نویسندگان» محتوای کتاب‌های درسی را تعیین می‌کنند [42].

در فرانسه برای نخستین بار، «انجمن آموزش و پرورش تبعیض‌ستیز» از ناشران خواستار شد که تمام شکل‌های تبعیض جنسی در کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان حذف شوند. اولین ابتکار این انجمن آن بود که ترجمه فرانسوی راهنمای انتشارات مک‌گرو-هیل برای برخورد برابر به دو جنس در کتاب‌های درسی را برای تمام ناشران تهیه‌کننده کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان فرستاد. ناشران کتاب‌های کودکان و کتاب‌های درسی (مانند انتشارات ناتان و مانیار) با الهام از این راهنما، مجموعه‌ای از رهنمودهای تبعیض‌ستیز را در اختیار تمام نویسندگان خود قرار داده‌اند.

با وجود این ابتکار، شاهد آنیم که ناشران فرانسوی کتاب‌های درسی چندان عجله‌ای ندارند که آثار قبلاً منتشر شده را براساس دیدگاهی تبعیض‌ستیز بازنویسی کنند. در واقع کتاب‌های تبعیض‌آمیز هرچه بیشتر تجدید چاپ شوند، هزینه‌های تولید کمتر و سود ناشران بیشتر خواهد بود. نمایندگان سوسیالیست فرانسوی نیز با آگاهی به همین امر، «طرح قانونی برای پیکار با تبعیض نژادی و جنسی در کتاب‌های درسی» را در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ پیشنهاد کردند.

در شرح انگیزه‌های پیشنهاد این لایحه آمده است: «نوعی تبعیض وجود دارد که نه فقط نویسندگان کتاب‌های درسی با آن پیکار یا از آن اجتناب نمی‌کنند، بلکه ویژگی تقریباً مشترک تمام آنان است: تبعیض میان جنس‌ها. این وضعیت در درجه اول زاده‌تنبلی و حسابگری بعضی

از ناشران است که کتاب‌هایی را که چاپ اولشان به ۳۰ سال پیش برمی‌گردد، بی‌هیچ تغییری تجدید چاپ می‌کنند و بدین ترتیب سودهای کلانی به جیب می‌زنند. هیچ تردیدی نیست که در زمان چاپ نخست این آثار، ایدئولوژی حاکم برداشت‌های بسیار ارزش‌باخته و تحقیرآمیزی را از زنان و دختران تحمیل می‌کرده و با اعتراض واقعی و مؤثری نیز روبه‌رو نبوده است. امروزه زنان این تصویرهای تحقیرآمیز را با نیروی فزاینده ردّ می‌کنند؛ اما ناشران بی‌توجه به این اعتراض‌ها کتاب‌های انباشته از کلیشه‌های تبعیض‌آمیز را تجدید چاپ می‌کنند. در کتاب‌های تازه نیز اشتباهات قدیمی حفظ می‌شود، تبلیغات و تلقینات نادرست و زیانبار از همان نخستین سال‌های مدرسه آغاز می‌شود.»

پیش از طرح پیشنهادی حزب سوسیالیست، نمایندگان جناح حزب کمونیست فرانسه در اوّل مارس ۱۹۷۹ طرحی را به مجلس سنا عرضه کرده بودند که در آن خواسته شده بود که «در وزارت آموزش و پرورش، کمیسیونی تشکیل شود که نمایندگان ناشران نیز در آن شرکت داشته باشند. هدف این کمیسیون آن است که رهنمودهایی تدوین کند تا تصویرهای زنان در کتاب‌های درسی دوره دبستان با مضمون برابری میان زن و مرد همخوان باشند.»

در نروژ، فعالیت میان ناشران امروزه به وزارت کلیسا و آموزش و پرورش وابستگی دارد، هرچند در اصل، فمینیست‌های نروژی (مانند کاری اسکینوسبرگ) بودند که در این وزارت‌خانه به فعالیت پرداختند تا اهمیت زدودن تبعیض جنسی در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی و کتاب‌های کودکان را بشناسانند [43]. در پی این فعالیت‌ها، در این وزارت‌خانه نهادی برای بررسی کتاب‌های درسی از دیدگاه برابری میان جنس‌ها